

# همشهری

حضرت امیر المؤمنین علی؛ تجربیات، به مردم دانش تازه می آموزد.

آذان ظهر: ۱۱:۴۸ — غروب آفتاب: ۱۷:۰۹
آذان مغرب: ۱۷:۲۸ — نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۶
آذان صبح فردا: ۵:۲۷ — طلوع آفتاب فردا: ۶:۲۷

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: عبدال.. گنجی
سرپرید: دانیال معمار

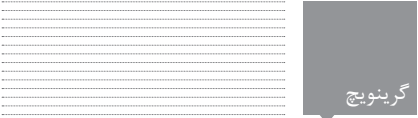
پدیرش آگهی:
تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروزتوین
تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

چاپ: همشهری
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶
تهران، صندوق پستی۱۹۳۵۱۵۴۴۴
تلفن: ۲۳۰۳۳۰۰۰، شماره ۰۶۷-۴۶۰۶۷-۲۳

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir



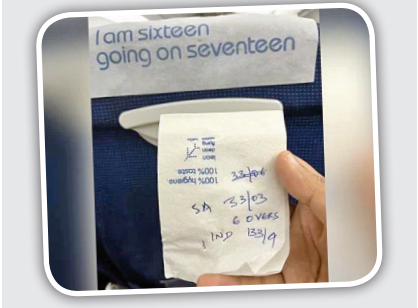
گریتنویچ

### اثر هنری گیج‌کننده



برخی از آثار هنری مدرن، چنان گیج‌کننده و متفاوت هستند که حتی کارشناسان را هم همراه می‌کنند. یکی از آنها، نقاشی بسیار معروف از پیت موندریان نقاش سرشناس هلندی است که حالا مشخص شده دهه‌هاست اشتباهی روی دیوار آویزان بوده است. این نقاشی که نامش «شهر نیویورک ۱» است از ۱۹۴۵ در موزه هنر مدرن نیویورک نگهداری می‌شد تا اینکه در دهه ۸۰ میلادی به یک موزه در دوسلدورف آلمان منتقل شد. کارشناسان اخیرا متوجه شده‌اند که این نقاشی، در تمام این سال‌ها، برعکس به دیوار آویزان می‌شده. یک متخصص کارهای موندریان گفته که در تحقیقات اخیرش، عکسی از آخرین روزهای عمر این نقاش در کارگاهش دیده و در آن متوجه شده که خودنقاش، این نقاشی را بر خلاف چیزی که در موزه‌ها بوده دلالی، در موزه‌ها، این تابلو چرخیده و خطوط ضخیم، پایین آمده‌اند. موندریان یکی از معروف‌ترین نقاشان قرن بیستم است.

### بحال ترین خلبان دنیا



ریکت، ورزش ملی هندی هاست و حالا که جام جهانی آن در حال برگزاری است، صدها میلیون نفر درگیر آن هستند. یک اتفاق جالب که در هوا افتاده، نشان دهنده علاقه‌بیش از حد مردم در این کشور، به این ورزش است؛ یک علاقه‌مند به ریکت در یک هواپیما، خودش را به آب و آتش می‌زده تا از نتیجه بازی تیم ملی کشورش مطلع شود. او بارها از مهمانداران در این باره پرس و جو می‌کند و همینطور در تاب و تب بود که یک یادداشت روی یک دستمال کاغذی به دستش می‌رسد؛ این یادداشت، نتیجه بازی هند با آفریقای جنوبی بود که خلبان برای این مسافر نوشته بود. بعد از پرواز، این مسافر عکس این یادداشت را در توئیتر به اشتراک گذاشت و در روزهای اخیر، این عکس حسابی دست‌به‌دست شده و حتی رسانه‌ها هم به آن پرداخته‌اند و از کار جالبی که خلبان کرده تعریف می‌کنند.

### گره اشرافی



سیک زندگی اشرافی چند گره خانگی در هند، حسابی در این کشور سسر و صدا به پا کرده و میلیون‌ها نفر، پیگیر زندگی این حیوان خانگی شده‌اند. این گره‌ها متعلق به یک زوج هستند. این زن و شوهر، یک حساب در اینستاگرام برای گره‌هایشان درست کرده‌اند و عکس‌ها و فیلم‌های متفاوتی از زندگی آنها به اشتراک می‌گذارند. این تصاویر و عکس‌ها، چنان عجیب و غریب و متفاوت هستند که زندگی گره‌ها، توجه میلیون‌ها نفر را در هند به‌خود جلب کرده و آنها را به ستاره‌های فضای مجازی در این کشور تبدیل کرده است. در یک ویدئوی پربازدید، یکی از گره‌ها دیده می‌شود که حمام کرده و ماساژ گرفته و بعد از آن، در حالی استراحت می‌کند که دو توک خیار روی چشم‌هایش قرار داده شده است. صاحبان گره‌ه، در همین ویدئو حسابی صورت گره‌هاشان را ماساژ هم می‌دهند. این ویدئو بسیار مورد توجه قرار گرفته است. صاحبان این گره‌ها در ویلاگ خود نوشته‌اند که گره‌هایشان را در خیابان وقتی که رو به مرگ بوده‌اند پیدا کرده و در خانه از آنها نگهداری کرده‌اند تا زنده بمانند. در ادامه، به آنها آموزش داده‌اند به همین خاطر است که به راحتی حاضر می‌شوند کارهایی مثل شسته شدن را تحمل کنند و کسی را چنگ نیندازند.

# ذوق‌ناب

۶۰ سال از کشف جام طلای مارلیک گذشت

**گزارش**
**حمیدرضا محمدی**
روزنامه‌نگار

همان تصویری که الله بار صالح، که روزهای ۶۵ سالگی را تجربه می‌کرد و تازه‌از نمایندگی مردم کاشان و نظنز در مجلس بیستم شورای ملی فارغ شده بود، جام طلای مارلیک را در دست دارد، سوسی‌راستش، ایرج افشار ۳۷ساله که در آن‌ا، ریاست کتابخانه ملی ایران را عهده‌دار بود و در جانب چپش، عباس زریاب خوبی ۴۲ ساله که در کتابخانه مجلس سنا اشتغال داشت و رضامستوفی ۲۹دساله که به‌تازگی در سرش را در مقطع کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه تهران تمام کرده و رفته بود تا جزئی از اجزای گروه کاوش در تپه مارلیک باشد، ایستاده‌اند و لمس آن جام‌بی نظیر را نظاره می‌کنند.

قابی که البته جای یک تن در آن میان خالی بود و سخت به چشم می‌خورد؛ عزت‌الله ننگه‌بان که آن‌روزها در آستانه دهه پنجم عمر، رئیس مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و از آن مهم‌تر، سرپرست هیأت کاوش در همین تپه بود که آن جام مطلا، بدل به برجسته‌ترین مکشوفه‌اش شد.

کاوش‌های باستان‌شناسی در این منطقه کهنسال، نخستین همکاری مشترک اداره کل باستان‌شناسی و مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران بود که بدون شرکت همتایان خارجی و به سر سستی او به‌مدت ۱۴ ماه انجام شد؛ از مهر ۱۳۴۰ تا آذر ۱۳۴۱ و این جام درست در همین روزهای پاییز ۶۰ سسال پیش به‌دست آمد و رفت و در موزه ملی ایران جاشوخش کرد و شد گواهی بر پیشینه‌ای نیک بشکوه. جامی که از همان سال بر پشت اسکناس‌های ۵۰۰ریالی نقش بست، از آن حیث که یافتنش تاریخ‌ساز بود و تاریخ‌گذار.

در حالی که جام طلای مارلیک در موزه ملی ایران، در کنار سایر اشیای باستانی، در یک کابینت شیشه‌ای قرار دارد، جام طلای مارلیک در موزه ملی ایران، در کنار سایر اشیای باستانی، در یک کابینت شیشه‌ای قرار دارد.

مسلمانان مرا وقتی دلی بود که باوی گفتمی گر مشکلی بود

حافظ

## صفحه آخر

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir



وقتی ننگه‌بان و تیمش به کرانه شرقی سفیدرود رفتند تا بازمانده‌های تمدن ناشناخته گیلان از آن عصر آهن (اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد) را واکاوی کنند، هیچ یک با بدنه‌ای ظریف، زبر خاک و در گذر هزاره‌ها، انحنایافته است.

این همه سبب شده است تا کاشف آن، این جام را به اسبابی چون ارزش هنری، یگانگی و کیفیت ساخت و پرداخت نقوش آن، نماد تمدن عظیم و شگرف مارلیک بنامد که سازنده‌اش / سازندگانش، بر خلاف همتایان خود در لرستان که در ساخت‌وساز ظروف مفرغینه مبرز و متعجر بودند، با طلا و نقره در هم تنیدگی داشته که نشان از ثروت آنها دارد. تمدنی که به آر بایی‌های مهاجر به نام آرد‌ها و سکنی‌گزید در صفحات جنوبی خزر تعلق داشت و این اثر شگفت‌آور که از گور شماره ۲۶

از مجموعه مقابر ۵۳گانه مارلیک، از دل لابه‌های تاریخ بیرون کشیده شده، و همین هم بر هویت ایرانی‌سی این اثر صحنه می‌گذارد و جالب آن است که در این جام سر گاو، به‌جای پرچ شدن از خارج، تنها با قلمزنی داخل و با استفاده از طلای بدنه ساخته

## باشگاه نویسندگان

### ما، حافظ ودوقطبی تقدیر



**سیدجوادر سولی**  
کارشناس رسانه

مسئله تقدیر یکی از مسایلی است که در ادبیات و شعر فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. نگاه و نسبت بزرگ‌ترین شاعران ایرانی از فردوسی تا سعدی و حافظ و مولانا با تقدیر و قسمت، جالب و آموزنده است. اما همیشه باید مراقب بود تا نسبت به نگاه این شاعران و حکیمان دچار سوء تفاهم نشویم. مثلا در غزل مشهوری که با مطلع کی شعرت را انگیزد خاطر که حزین باشد؟ آغاز می‌شود، حافظ در ۳ بیت با قاطعیت و موضعی را در مورد قسمت و تقدیر روشن می‌کند. این موضع آنقدر محکم است که وجهی هنجاری پیدا می‌کند و گویی از سنسونده یسا خواننده‌اش می‌خواهد هر نوع دیگری از نگاه به جهان و وجود را رها کند و همین را به‌عنوان حقیقت بپذیرد.

اولین بیت از این سه‌گانه می‌گوید: غمناک نباید بود تا طعن حسود ای دل شاید که چو او بینی خیر تو در این باشد. حافظ اینجا از مخاطبش می‌خواهد که ذهنش را درگیر لاطیالات دیگران که احیاناً از روی حسادت بیان می‌شوند نکند اما دلیل بی‌اعتنایی به حرف‌ها را نه‌ی اهمیت بودن آنها که در این می‌بیند که شاید برایت لازم است که بشنوی و باعث خیر شود. شبیه همان جمله معروفی که اغلب در واکنش به اتفاق عجیبی که بر ایمان افتاده از اطرافیان می‌شنویم: خیر بوده لایذ. در بعدی بیت این غزل حافظ درجه این کار را بالاتر می‌برد تا اگر احیاناً درست متوجه حرفش نشدیم قضیه کاملا جایفتند. جام می و خون دل هر یک به کسی دادند ادر دایره قسمت اوضاع چنین باشند. اینجا دیگر حرف کاملأ مستقیم و صراحت بیان می‌شود. اگر اوضاع بدی داری و بیچاره شده‌ای و خون دل می‌خوری دلپش این است که قسمت‌ت این بوده. جای شکوه و شکایت نیست. سهم تو از خوشی‌های جهان همین اندک است و از ناخوشی‌ها همین بس. باریت بعدی باز هم بر این امر تأکید می‌کند تا یک وقت دیگر هیچ ایهامی باقی نمانند: کار گلاب و گل حکم ازلی این بود! کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد. در نهایت هر آنچه دست سرنوشت برایت نوشته باشد همان پیش خواهد آمد اما سو تفاهم زمانی ممکن است پیش بیاید که ما براساس همین غزل و همین آیات حکم کنیم که نگاه حافظ تقدیر ابرانه است. که او ما را دعوت می‌کند تا در مقابل آنچه پیش آمده است منفعل باشیم و بگوییم لابد قسمت این بوده و حتما چیزی در آن هست و بگذریم. درحالی‌که این نگاه لزوما درست نیست. در غزل دیگری با مطلع ای دل ریش مرا با لب تو خنک، ما با موضع گیری کاملا متفاوتی درخصوص نسبت حافظ با رخندهای زندگی مواجه می‌شویم. موضعی که بر خلاف غزل قبلی بسیار فعالانه است و می‌خواهد در مقابل آنچه پیش آمده و خوشایندش نیست بایستد: چرخ برچم ززم را غیرمرازم گرد نم آنم که زبونی کشم از چرخ فلک. اینجا ما با حافظ دیگری مواجهیم که صیانتگر است و حاضر نیست قسمت را بپذیرد و دارد به جهان و چرخ و روزگار اعلام جنگ می‌کند و برایشان رجز می‌خواند چون آنچه مراد اوست برایش بسیار مهم است. اینجا خیر هر آن چیزی نیست که پیش بیاید بلکه خیر آنی است که حافظ می‌خواهد که پیش بیاید و حاضر است بابتش با دیگران درگیر شود.

آنچه در این دو موضع ظاهراً مخالف در حافظ می‌بینم جدال و تنش همیشگی وجود انسانی است. اینگونه نیست که ما در هر دانه و رخدادی یک جور فکر کنیم و یک جور موضع بگیریم. گاهی در خودمان توان مقابله و تغییر را نمی‌بینیم و گاهی هم چیزی در ما می‌جوشد و این توان را به رخ خودمان نیز می‌کشد. این خصلت انسانی نه‌تنها در حافظ که در ما مخاطبان حافظ نیز هست. آنچه اصالت دارد، حرکت همواره ما میان این دو قطب متضاد و انتخاب‌هایی است که در میانه این مسیر انجام می‌دهیم.

#### انجامش پده

### روی صحنه

برخلاف سینما که این روزها فیلم جدیدی برای آن ندارد، سالن‌های تئاتر میزبان نمایش‌های جدید هستند.اطراح از چند و چون برخی از این نمایش‌ها را می‌خوانید.

#### دوستان کمدی

**خلاصه:** در حرم‌خانه سلطانی پریان احوال، زنان یازده‌پنجاه پس از ورود نورعوس کم‌سال به چارهای می‌اندیشند. این نمایش به کارگردانی کلاب آدینه و نویسندگی بهرام بیضایی است که در سالن پردیس تئاتر شهرزاد اجرا می‌شود. در پرده‌خانه بازیگرانی همچون نورا هاشمی، علیرضا صالحی، ملیکا علیجلایی، سلمان کریمی، سعید چنگیزیان و... به روی صحنه می‌روند.

#### باره‌هایی از چند زندگی

**خلاصه:** روایت‌های شخصی ۶ زن در طول سال‌های زندگی بر فراز و نشیب‌شان را نشان می‌دهد.

این نمایش به کارگردانی شیوادیناروند و نویسندگی کیانوش احمدی در سالن قشقای تئاتر شهر اجرا می‌شود. نسترین ابراهیمی زاده، شهرزاد کیانی‌نازنین، میهن، فقیهه معین، سحر آقایی و مهناز رودسلار، بازیگران این نمایش هستند.

#### اکتشافات

**خلاصه:** در ایسلاز کر یستوفر بار کلمبوس، معروف به کریستف کلمب با کشتی معروف خودش سانتا‌مار با به قصد کشف مسیر تازه‌ای به هند راهی قیائوس شد.

این نمایش به کارگردانی حامد و کیلی و نویسندگی امید طاهری در پردیس تئاتر شهرزاد اجرا می‌شود. در کمدی اکتشافات بازیگرانی همچون علی صبوری، علی اسدیان، تکتم اخوانی، پرویز زیدی و... به روی صحنه می‌روند.

#### بیه‌های غمگین سالار جنگ

**خلاصه:** بگم چه خوابی دیدیم. خواب دیدم تسو اتاق پنج در ی خواب بودم. نمی‌دونم تو خواب چه خوابی می‌دیدم، اما هرچی بود تو خواب ناله می‌کردم. ناغافل یکی تو گوشم گفت: چیه؟ نیم‌تاجکم؟ چرا ناله می‌کنی؟ هولی از خواب بریدم. دیدم جناب مِم تقی خان، گفتم: نیم‌تاج‌الملوک تصدقون از وقتی شمارفتن من به خواب خوش ندیدم گفتم: می‌خوای به خواب خوش ببینی؟ چه‌شمامو بستم... دست کشید به پیشونیم. به وقت چشم باز کردم دیدم خونه عین روز روشنه، اما دور تا دورم تا چشمم کار می‌کنه پر از گره کوره‌ست...

این نمایش به کارگردانی محمد علیدادی و نویسندگی محمدامیر پاراحمدی در تماشخانه اهورا در حال اجراست. مهدیه قره باغی، پرند کلتوری، نگار سلطانی و سمیه قدیمی، بازیگران این نمایش هستند.



تقویم/ سالروز

### صدای تهران قدیم

مرتیضی احمدی که باالقابی مثل پدربزرگ تهران و صدای تهران قدیم شناخته می‌شود، در سینما، تلویزیون، رادیو و تئاتر بازیگری صاحب سبک، در هنر دوبلاژ گوینده‌ی کلاب یا یک صدای خاص و منحصر‌به‌فرد و نیز یادآور صدای طلایی دوبله و در نگارش کتاب‌هایش نیز نویسنده‌ای خوش قلم و توانا بود. کتاب‌هایی که هر یک برآمده و چکیده‌ای از سال‌ها پرسه‌زدن و جدیت در یکی از عرصه‌های مورد علاقه و فعالیتش بودند. در هنر آواز و موسیقی نیز یکی از معدود خوانندگان سبک بیات تهران بود. به‌علاوه اینکه نام و صدایش در زمره انگشت‌شمار پیش‌برده‌خوانان قدیم برده می‌شد. او کسی بود که از هر انگشتش هنری در حد کمال یا دستکم کم‌تر نیک به کمال یافتگی می‌یارید و خالق گنجینه‌ای از چند هنر گوناگون به‌شمار می‌رفت. سیدمیر تقی احمدی ۱۰ آبان سال ۱۳۰۳ در جنوب تهران به دنیا آمد. در ۱۶سالگی ورزش باستانی و فوتبال را شروع کرد و به همراه تیم فوتبال دبیرستانش در مسابقات آموزشیگاه‌های تهران رتبه‌هایی به‌دست آورد. بعدها در تیم فوتبال رام‌آهن تهران و پس از آن در باشگاه رام‌آهن، بازیکن و مربی شد.

سنال ۱۳۳۱ پس از چند تلاش آمانتوری در تئاتر با کمک عده‌ای از دوستانش «مماشاخانه ماه» را روی‌روی باغ فردوس دایر کرد. ولی پس از چند هفته مجبور به ترک آنجا شد. در اوایل پاییز سال ۱۳۳۲ در تئاتر فرهنگ برای نخستین بار پیش‌برده‌خوانی کرد و در نتیجه آن بازیگر تئاتر هم شد. سال ۱۳۳۳ در رادیو تهران (چندی بعد در رادیو ایران و بعد از آن در رادیو و تلویزیون ایران) مشغول به‌کار شد تا برنامه‌های کمدی اجرا کنند. در دوره‌های مختلفی در رادیو کار کرد و به سبک‌های مختلف ترانه و آواز خواند. سال ۱۳۳۶ گوینده فیلم‌های خارجی شد و از اعضای اولیه انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم بود. احمدی

صداهای اولیه انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم بود. احمدی برنامه‌های مختلفی در تماشخانه محلی تهران نیز با صدای خود منتشر کرد. با همین سبک، ترانه تیتراژ فیلم حسن کچل، ساخته‌علی حاتمی راهم اجرا کرد. «صدای تهرون قدیم» مجموعه‌ای دربردارنده تعدادی از ترانه‌های عامیانه رایج در فرهنگ و جامعه تهران قدیم است که مرتضی احمدی در سال‌های پایانی عمر خود آنها را دوباره خوانی و روایت کرد تا فراموش نشوند. مرتضی احمدی ۱۳۰ آذر سال ۱۳۹۲ در ۹۰سالگی به دلیل مشکل ریوی و کپولت سن در منزلش در تهران درگذشت.

#### فرهنگ و زندگی

### وسایل نقلیه هنری

سیستم حمل‌ونقل عمومی در نایروبی، کمی به چیزی که ما در ایران در سال‌ها پیش داشتیم شبیه است؛ ماتا‌توها که تاکسی‌های اشتراکی یا همان مینی‌بوس‌های خودمان هستند. بار اصلی انتقال مسافران را در این شهر شلوغ به دوش می‌کشند. در ست مثل چند سال پیش ما، این مینی‌بوس‌ها ساعت حرکت مشخصی ندارند و تا پر نشوند، راه نمی‌افتند. همین می‌تواند دلیل برای کم شدن استقبال از این سیستم حمل‌ونقل باشد اما مالکان و راننده‌های آنها، در طول سال‌ها، به ابتکاری دست پیدا کرده‌اند که حالا به اصلا نمادی از کنیا و آفریقا در سراسر دنیا تبدیل شده است. آنها ابتدا برای جلب مسافر، سراغ جذابیت‌های صوتی رفتند و پخش موسیقی را شروع کردند. وقتی رقابت برای جلب مشتری جدی‌تر شد، کاری کردند که حالا شهرتی جهانی دارند؛ ماتا‌توها دانه دانه رنگ آمیزی و نقاشی شدند و این کار در طول چند دهه چنان پیشرفت کرده که بسیاری از آنها را می‌توان آثار هنری متحرک خواند. کرایه این ماشین‌های نقاشی شده، تقریباً ۴ برابر ماشین‌های ساده است، چون هزینه نقاشی هر کدام از آنها، حدود ۲ هزار دلار است. با این حال استقبال از آنها به‌شدت بیشتر است. دلیل آن این است که استقبال از این ماشین‌ها بیشتر است و این یعنی آنها زودتر پر می‌شوند و زودتر حرکت می‌کنند و زودتر به مقصد می‌رسند. این برای آنهايي که عجله دارند اما در عین حال نمی‌توانند پول زیادی برای تاکسی بدهند بسیار به صرفه است.

ماتا‌توها البته سرنوشت عجیبی در سال‌های تردد آنها را برای ۱۰ سال در نایروبی ممنوع کرد و این مینی‌بوس‌های خوشگل تازه چند سال است که دوباره به شهر برگشته‌اند. دلیل ممنوعیت تردد آنها این بود که رقابت برای نقاشان ماشینی، بیشتر و بیشتر طرح‌های نقاشان ماشینی، بیشتر و بیشتر طرح‌های عجیب و بزرگ‌تر به کار می‌بردند تا حدی که راننده‌ها، گاهی فقط یک فضای کوچک برای دین بیرون داشتند و باید شیشه ماشین را پایین می‌کشیدند تا متوجه شوند که اصلا کجا هستند. حالا اما طراحان دست‌کم این مسئله را رعایت می‌کنند و جلوی دید راننده‌ها را نمی‌گیرند.

نقاشی‌های این مینی‌بوس‌ها عموماً طرح‌های مفهومی و گرافیکی و همینطور پرتره چهره‌های سرشناس هنری، موسیقایی و سلبریتی‌های جهانی هستند. پیشرفت در این عرصه چنان بوده که در سال‌های اخیر، هنرمندان زیادی جذب بازار نقاشی کردن ماشین‌ها شده‌اند. برخی می‌گویند که صاحبان گاراژها و ماشین‌ها، طبقه ثروتمند و قدرتمندی تشکیل داده‌اند و فشار آنها بوده که ممنوعیت تردد این ماشین‌ها برداشته شده است.

سیستم حمل‌ونقل، یکی از موفق‌ترین سیستم‌های کلنی که در یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای آفریقااست و به‌خاطر سابقه و زیبایی‌های بصری‌اش، به یکی از نمادهای این کشور تبدیل شده است.

